

شکار مرگ

نمایشنامه دلهره‌آور در دو پرده

آی‌را لوبین | شهرام زرگر | نمایشنامه‌های بی‌گنجل: امریکایی (۱۴) | 

شکار مرگ |

آیرا لوین |

ترجمه شهرام زرگر |

ویراستار: شیرین قاسملو |

نمونه خوان: شیرین افخمی، فریال رشیدی |

صفحه‌آرایی: مرجان نصرتی |

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش نصاعدیان |

مدیر تولید: مصطفی شریفی |

چاپ دوم | ۱۳۹۸ | تهران | ۱۰۰۰ نسخه |

شابک: ۹۴-۶۰۰-۷۸۰۶-۹۷۸ |

Bidgol Publishing co. |  | استریبیگل |

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷ |

فروشگاه | تهران | خیابان انقلاب | بین ۱۲ فروردین و فخرآزی | پلاک ۱۲۷۴ |

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷ |

bidgolpublishing.com |

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. |

* هرگونه اجرایی از این نمایشنامه منوط به اجازه رسمی از مترجم یا ناشر است. |

※ یادداشتی در مورد حقوق مادی و معنوی این اثر:

اجرای نمایشنامه‌های چاپ‌شده، بدون کسب اجازه از مترجم و ناشر، به کاری معمول در تئاتر ایران بدل شده است؛ این کار بیشتر اوقات با تغییر جزئی در ترجمه و دست بردن در آن صورت می‌گیرد و هدف و نتیجه آن کتمان حقوق معنوی و مادی صاحبان اثر، و توهین به مخاطبان و نپذیرفتن هیچ‌گونه مسئولیت حرفه‌ای است.

برای مترجمان بسیار پیش می‌آید که بدون چشم‌داشت مادی اجازه اجرای اثر را بدهند، به خصوص برای همراهی با اجراهای شهرستان‌ها و دانشجویان، اما بی‌شک همه آنان خواستار رعایت حقوق معنوی خود (ذکر نام مترجم) در هر اجرایی هستند.

بنابراین، نشر بی‌دگل استفاده بدون اجازه از ترجمه‌های نمایشی‌اش را، اعم از اجراهای رسمی کوچک یا بزرگ، به‌ویژه در تئاتر تهران و جشنواره‌ها، اقدامی غیرقانونی قلمداد می‌کند و از طریق مراجع مربوط موضوع را به‌جد پیگیری خواهد کرد.

| مقدمه |

آیرالوین^۱ در ۷ اوت ۱۹۲۹ در محله منهتن نیویورک به دنیا آمد. لوین تحصیلات خود را در رشته فلسفه و ادبیات انگلیسی در دانشگاه نیویورک به اتمام رساند و از سال ۱۹۵۱ نگارش برای برنامه‌های رادیو و تلویزیون را آغاز کرد. لوین دو سال بعد، در سن بیست و چهارسالگی، با نگارش نخستین رمانش، بوسه‌ای پیش از مرگ^۲ (۱۹۵۳)، وارد عرصه نگارش رمان، فیلمنامه و نمایشنامه شد. بوسه‌ای پیش از مرگ با اقبال توأمان خوانندگان و منتقدان همراه شد و در سال ۱۹۵۴ جایزه ادگار آلن پو^۳ را تصاحب کرد. از دیگر رمان‌های لوین می‌توان به رمان علمی-تخیلی یونی کامپ^۴ (۱۹۷۰)، با نام اصلی این روز بی نقص^۵ و برنده جایزه پرومیتوس^۶ در سال ۱۹۹۴؛ بچه زُمری^۷ (۱۹۶۷)، معروف‌ترین رمانش؛ همسران استپ‌فورد^۸ (۱۹۷۲)؛ پسران برزیل^۹ (۱۹۷۶) و آخرین اثرش

1. Ira Levin
2. *A kiss Before Dying*
3. *Edgar Allan poe Award*
4. *UinComp*
5. *This Perfect Day*
6. *Prometheus Award*
7. *Rosemary's Baby*
8. *The Stepford Wives*
9. *The Boys from Brazil*

پسر رزمی^۱ (۱۹۹۷) که دنبالهٔ بچهٔ رزمی است اشاره کرد. رومن پولانسکی^۲ براساس رمان بچهٔ رزمی فیلمنامه‌ای نوشت و فیلمی به همین نام ساخت. پولانسکی برای این فیلم کاندیدای دریافت جایزهٔ اسکار شد.

مهم‌ترین نمایشنامه‌های او فرصتی برای سرهنگ‌ها نیست^۳ (۱۹۵۶)، انتخاب منتقدان^۴ (۱۹۶۰)، باغ دکتر کوک^۵ (۱۹۶۸)، شکار مرگ (۱۹۷۸) نام دارند. شکار مرگ، معروف‌ترین نمایشنامهٔ او، نمایشنامه‌ای است پست‌مدرن با شگرد نمایش در نمایش، آکنده از پیچش‌های دراماتیک، لحظه‌های غافلگیرکننده و سرشار از ظرافت، شوخ‌طبعی، مهندسی در پرداخت حوادث و دقت در جزئیات. این نمایشنامه در سال ۱۹۷۸ کاندیدای دریافت جایزهٔ معتبر تونی شد و تاکنون با ۱۷۹۳ اجرای پیاپی رکورددار بیشترین اجرای یک درام کمدی-تریلر در برادوی است.

لویین در شکار مرگ، به گواهی اشارات مکرر در متن نمایشنامه، آشکارا وامدار نمایشنامهٔ بازسی^۶ آنتونی شفر^۷، نمایشنامه‌نویس بریتانیایی، است؛ روایت سیدنی^۸، نویسندهٔ میانه‌سال شکار مرگ، همچون آندرو وایک^۹ روایت عشق بی‌پایان به تکرار موفقیت در حرفهٔ نویسندگی و چالش با بیگانه‌ای تحسین‌برانگیز است که قلمرو او را تهدید می‌کند.

استفن کینگ^{۱۰}، نویسندهٔ زمان‌های پُرفروشی نظیر مسیر سبز، دربارهٔ او می‌گوید:

«توانایی آیرا لویین در نوشتن آثار دلهره‌آور به ظرافت ساعت‌سازان سوئیسی است و کارهای ما در مقایسه با آثار او مثل ساعت‌های ارزان قیمت خرازی‌ها.»

1. *Son of Rosemary*
2. Roman Polanski
3. *No Time for Sergeants*
4. *Critic's Choice*
5. *Dr. Cook's Garden*
6. *Sleuth*
7. Anthony Shaffer
8. Sidney
9. Andrew Wyke
10. Stephen King

آیرا لوین سال هاپس از تجربه‌اندوزی در زمینه‌ترانه‌سرایی، نمایشنامه‌نویسی، داستان‌نویسی، فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی موفق به دریافت جایزهٔ برام استاکر^۱ برای یک عمر فعالیت در زمینهٔ رمان وحشت شد. لوین سرانجام در سال ۲۰۰۷ بر اثر عارضهٔ قلبی در نیویورک درگذشت.

از این نویسندهٔ چیره‌دست تاکنون رمان جنایی بوسه‌ای پیش از مرگ، بچهٔ رزمی و اتاق ورونیکا^۲ و شکار مرگ (۱۹۷۸) به فارسی ترجمه شده است. و اهالی تئاتر در ایران او را با نمایشنامهٔ اتاق ورونیکا می‌شناسند، نمایشنامه‌ای درخشان با فضای گوتیک، یادآور سنتِ نویسنده‌هایی همچون ادگار آلن پو، آگاتا کریستی و ریچارد چنرلر.

شاید برگردان تحت‌اللفظی و شتاب‌زدهٔ deathtrap دام مرگ یا تلهٔ مرگ باشد، اما این معادل‌ها را نپسندیدم. قتلگاه و مه‌لکه را نیز سخت و دیرآشنا یافتم با رنگ‌وبوی عربی. در روزهای پایانی ترجمه، یاد بیتی از فردوسی افتادم در حماسهٔ بزرگش، شاهنامه:

شکاریم یک سرهمه پیشِ مرگ
سری زیر تاج و سری زیر ترگ

این شد که شکار مرگ را، همخوان با مضمون نمایشنامه، مناسب‌تر یافتم از گزینه‌های دیگر.

شهرام زرگر

1. Bram Stoker Award
2. Veronica's Room

وقایع نمایشنامه در اتاق کارِ سیدنی برول در خانهٔ برول واقع در شهر وست پورت ایالت کانکتیکات می‌گذرد.

بشری بیدگل

پردهٔ اول

صحنهٔ ۱: بعد از ظهر یکی از روزهای ماه اکتبر

صحنهٔ ۲: عصر همان روز

صحنهٔ ۳: دو ساعت بعد

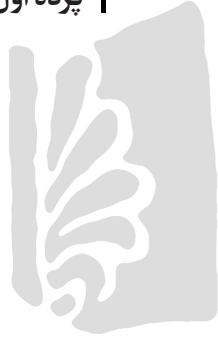
پردهٔ دوم

صحنهٔ ۱: دو هفته بعد، صبح

صحنهٔ ۲: هفتهٔ بعد، شب

صحنهٔ ۳: یک هفته بعد، عصر

| پرده اول |



نشریہ دگل

| صحنه اول |

پرده بالا می‌رود. سیدنی برول پشت میز نشسته است. سیدنی مردی است حدوداً پنجاه‌ساله، جذاب و موقر، که ژاکتی نازک روی بلوزی یقه‌اسکی به تن دارد. روی ماشین تحریر پوشانده شده است. پرده‌های پنجره‌های قدی کنار کشیده شده‌اند. آخرین ساعات یکی از بعدازظهرهای آفتاب‌آب اکتبر سال ۱۹۷۸ است. در رو به سرسرا باز می‌شود و ما برول به داخل اتاق سرک می‌کشد. ما برول زنی است چهل و چندساله، لاغر و خجالتی، با بلوز دامنی به تن و ظرف یخی در دست، بی‌آنکه چیزی بگوید وارد می‌شود و ظرف را روی بوفه می‌گذارد. سیدنی متوجه او می‌شود.

سیدنی: شکار مرگ.

ما برول می‌گردد.

نمایشنامه‌ای دلهره‌آور در دو پرده. با یک دکور و پنج کاراکتر. (نسخه نمایشنامه را از کلاسور درمی‌آورد.) یک

قتل جانانه در پرده اول، پرداخت‌های غیرمنتظره در پرده دوم. به همراه افه‌های صوتی، دیالوگ‌های روان، مطایبه بجای و توجیه اقتصادی بالا. (نمایشنامه راروی می‌پرت می‌کند).

مایرا: وای — این فوق‌العاده‌س عزیزم! خیلی برات خوشحالم. یعنی برای جفتمون.

سیدنی: خوشحال؟ خوشحال بابت چی؟

مایرا: خوب — کار خودته دیگه، نه؟ همون طرح ماه اوت؟

سیدنی: طرح ماه اوت به همون سرنوشتی دچار شد که طرح ماه ژوئنم و تمام طرح‌هایی که قبل از اون داشتم: از توی شومینه دود شد رفت هوا و جزئی از هوای آلوده فیرفیلد کانتی^۱ شد. این، امروز صبح، توی صندوق پست بود. مال یه باباییه به اسم — (نگاهی به پاکت می‌اندازد). — کلیفورد آندرسن^۲. این یارو یکی از اون چلغوزای سمینار بود. (با درآوردن ادای او از روی نوشته می‌خواند.) «آقای برول عزیز: امیدوارم ارسال نمایشنامه‌ام، شکار مرگ که تایپ دوباره آن را حدود دو بامداد امروز به اتمام رسانیده‌ام، خاطر عزیزتان را مکدر نکرده باشد. نظر به اینکه نوشتن چنین چیزی بدون الهام از آثار شما و راهنمایی و جسارتی که تابستان گذشته به من مبذول فرمودید میسر نبود، اندیشیدم شایسته‌تر آن است که نخستین بار شما آن را بخوانید. چنانچه ذره‌ای مرغوبیت

1. Fairfield County
2. Clifford Anderson

از جنس نمایشنامه‌های شما را داشت، آن‌گاه مطمئن
خواهم شد ارزش وقت و هزینه‌ای را که صرف آن سمینار
شد داشته است.»

مایرا: (درحالی‌که می‌نشیند.) چه خوب.

سیدنی: نه! اصلاً هم خوب نیست! احمقانه‌س. «شرمندگی
مرا بابت ارسال رونوشت کاربُنی^۱ نمایشنامه بپذیرید،
چراکه دستگاه زیراکس محله معیوب بود و این حقیر
بیش از این طاقت انتظار برای فرستادن اولین فرزندم
خدمت پدر معنوی‌اش را در خود نمی‌دیدم.» رونوشت
منو نگا، رونوشت خودشو ببین! «امیدوارم به مجرد
آنکه نمایشنامه را خواندید با من تماس حاصل کنید
یا مرقوم فرمایید تا بدانم آیا به نظرتان ارزش ارائه به»
غیره و غیره. حروم‌زاده چه خوبم تایپ کرده! (نامه
را روی میز می‌اندازد.) گمونم یادم اومد کیه! از اون
چاق‌های بی‌قاعده. از اونایی که مشکل هورمونی دارن.
شیرین دویست کیلورو داشت! موندهم آدرس منواز
کجا گیر آورده...»

مایرا: لابد از دانشگاه.

سیدنی: بعید نیس. (بلند می‌شود و به سمت بوفه می‌رود.)

مایرا: واقعاً آن قدر خوبه؟ اولین نمایشنامه‌ش؟

سیدنی: محاله شکست بخوره. حتی یه کارگردان کاربلدم

۱. Carbon Copy: پیش از اختراع دستگاه زیراکس، برای تهیه رونوشت از مطلبی که قرار بود با ماشین تحریر تایپ شود، در زیر کاغذ سفید یک ورق کاربن و یک کاغذ سفید دیگر می‌گذاشتند. به رونوشت اول رونوشت اصلی و به رونوشت دوم رونوشت کاربُنی گفته می‌شود. م.

نمی‌تونه خرابش کنه! (مقداری نوشیدنی در لیوان پُرازیخ می‌ریزد.) سال‌ها روی صحنه می‌مونه. حقوق اجرایی حرفه‌ای و آماتور این نمایشنامه دخل و خرج هفت نسل خونوادهٔ اندرسن رو تأمین می‌کنه. مثل آب خوردن ارزش اقتباس سینمایی می‌شه. جُرج. سی. اسکات^۱ - یا مایکل کین^۲.

مایرا: دوستش دارم.

سیدنی: لامصب نقص نداره.

مایرا: غلط نکنم توام می‌تونی افتخار کنی به اینکه یکی از شاگردات یه نمایشنامه بفروش نوشته.

سیدنی: (حرف او را تأیید می‌کند.) برای اولین بار در طول یازده سال زندگی مشترکمون عزیز دلم - بی‌ترصداات رو!

مایرا: ای بابا... (وسایل را روی بوفه به جای اصلی‌شان برمی‌گرداند، در همان حال سیدنی نوشیدنی به دست، به سمت دیگر حرکت می‌کند.)

سیدنی: دارم از حسودی می‌ترکم. شیطونه می‌گه همچین با اون گُرزه بکویم توفرق سرش که توی یه چاله هم قدوقوارهٔ خودش فروبره، بعد همه شوبه اسم خودم در بیارم. بِدَمِش

۱. George C. Scott (۱۹۲۷-۱۹۹۹): هنرپیشه معروف امریکایی، بازیگر فیلم‌های برجسته‌ای چون دکتر استرنج لائو و پاتون. م.
 ۲. Michael Caine (۱۹۳۳-): هنرپیشه معروف تئاتر و سینمای انگلستان، برندهٔ دو جایزهٔ اسکار، بازیگر فیلم‌های سینمایی بازرسی، پلی در دوردست و ایفاگر نقش سیدنی در نسخهٔ سینمایی همین نمایشنامه. م.

به دیوید مریک^۱ یا هل پیرینس^۲... (لختی فکر می‌کند، خیره به مایرا)، بهترین ایده تمام عمرم پیش رومه.

مایرا: (به طرفش می‌رود)، اوه، سیدنی طفلکی... (بغلش می‌کند و گونه‌اش را می‌بوسد).

سیدنی: فایده‌ش چیه آدم گرز داشته باشه و نتونه هر چند وقت یه بار ازش استفاده کنه!

مایرا: اوه... شک ندارم همین روزا ایده خودت رو پیدا می‌کنی و تبدیلیش می‌کنی به یه نمایشنامه بهتر از اون.

سیدنی: ولی روش شرط نبند! دست‌کم تا وقتی پولی برای شرط‌بندی توی بساط نیست.

مایرا: فعلاً که اوضاع مون خوبه. دست‌کم تا وقتی طلبکاری پشت در خونمون سبز نشده.

سیدنی: ولی تا کی؟ همین الانشم باید ته جیبت رو بالا آورده باشم. غیر از اینه؟

مایرا: بالا آورده باشیم، هر دو مون. هر کاری باهاش کرده‌یم. حالش رو برده‌یم. حتم دارم نمایش بعدیت می‌ترکونه.

سیدنی: (در حال جابه‌جاشدن). ممنون، این همون چیزیه که من بهش احتیاج دارم، خلاصی از زیر بار فشار. (در حال

بازی‌بازی کردن با متن به سمت میز تحریر می‌رود).

مایرا: چرا ماجرا رو برای مریک تعریف نمی‌کنی؟ شاید بتونی کمیسیونی - چیزی بگیری.

۱. David Merrick (۱۹۱۱-۲۰۰۰): تهیه‌کننده بسیار معروف تئاتر در برادوی، نامزد و برنده ادوار مختلف جایزه تونی. م.

۲. Hal [Harold] Prince (۱۹۲۸-): کارگردان و تهیه‌کننده معروف نمایش‌های موزیکال برادوی و برنده جوایز متعدد تونی. م.